

بررسی جزایی میانجیگری در دادرسی کیفری

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۴/۰۸)

میلاذ میوه یان

چکیده

میانجیگری یا به عبارت دیگر، وساطت و شفاعت ، یکی از روش‌های حل اختلاف است که در آن یک شخص ثالث به نام میانجی به طرفین اختلاف در رسیدن به توافق کمک می‌کند. میانجیگری ممکن است به توافق طرفین نینجامد و بی‌نتیجه بماند، در صورت موفقیت در دستیابی به توافق نیز مفاد آن معمولاً از سوی خود طرفین تعیین شده‌است. طرفین اختلاف ممکن است کشورها، سازمان‌ها، گروه‌ها، افراد و یا هر شخص دیگری باشند که میانجیگری منفعتی را برای آنان در پی خواهد داشت. آنان می‌بایست میانجی را شخصی بی‌طرف بدانند. میانجیگری ، در موضوعات مختلف مورد اختلافی کاربرد دارد، از جمله؛ مسائل تجاری، حقوقی، دیپلماتیک، کاری و خانوادگی. در میانجیگری ، برخلاف داوری و ارزیابی کارشناس، پذیرش نظر شخص ثالث برای طرفین الزامی نیست. بلکه کار میانجی فراهم آوردن امکان مذاکره طرفین و کشف دقیق موارد اختلاف و رسیدن آن‌ها به بهترین راه حل ممکن است. میانجیگری بیشتر در اختلافات پیچیده‌ای که نیاز به گفتگوی غیر رسمی طرفین دارد، مفید است. سرعت و هزینه کمتر میانجیگری از مزایای این روش حل اختلاف نسبت به فرایند داوری و اقامه دعوی در دادگستری است . حال موضوع جایگاه میانجیگری در چهار بخش جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. که در بخش اول به ،، میانجیگری کیفری و ساز و کار دیرین حل منازعات ،، و در بخش دوم به ،، میانجیگری در دعاوی کیفری ،، و در بخش سوم به ،، نقش میانجیگری در فصل دعاوی و پاسخ دهی به نقض هنجارها در متون فقه اسلامی ،، و در بخش چهارم به ،، در دسرهای میانجیگری ،، پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: میانجیگری، دادرسی کیفری، منازعات، عدالت ترمیمی



بخش اول: میانجیگری کیفری و سازوکار دیرین حل منازعات

به اعتقاد بسیاری از طرفداران عدالت ترمیمی، میانجیگری قدیمی‌ترین و تأثیرگذارترین روشی است که امروزه نیز در نقاط مختلف دنیا مورد استفاده قرار گرفته و از جهات مختلف از سایر روش‌ها متمایز است. به یک معنا، می‌توان میانجیگری را سنگ بنا و جانمایه عدالت ترمیمی دانست. در روش میانجیگری فضایی ایجاد می‌شود که بزه‌دیده و بزه‌کار بتوانند به‌صورت رو در رو، بدون هر گونه فشار و اعمال نظر دستگاه کیفری با یکدیگر گفت‌وگو می‌نمایند؛ بزه‌کار از چگونگی وقوع جرم و دلایل و انگیزه‌های خود از ارتکاب آن؛ و بزه‌دید از خسارت وارد ناشی از بزه‌دیدگی و نیازها و خواسته‌های خود سخن گفته و روند سازش و حل و فصل اختلافات را پی‌گیری می‌نمایند. در این بین شخص ثالثی که بی‌طرف و فاقد منافع، در ماجرا است (میانجی)، جریان گفت‌وگو را هدایت و مدیریت می‌کند. بررسی‌ها حاکی از آن است که این روش در نقاطی که زندگی قبیله‌ای دارند، وجود داشته، و دارد. امروزه با شهری شدن جوامع و روند جهانی شدن، استقلال از میانجیگری کمتر به چشم می‌خورد و تعمیم این فرایند به نهادهای رسمی و غیررسمی می‌تواند گام مهمی در راستای پیشبرد اهداف عدالت ترمیمی تلقی شود.

بند اول: تاریخچه میانجیگری

برنامه‌های میانجیگری که از نیمه دهه هفتاد قرن بیستم نظام عدالت کیفری را تحت تأثیر قرار داده است، نخستین‌بار در سال ۱۹۷۷ با ابتکار یکی از ماموران تعلیق مراقبتی در کشور کانادا جلوه‌گر شد و سپس به شهرهای دیگر کانادا و آمریکا منتقل شد. مأمور تعلیق مراقبتی پیش گفته، در یکی از شهرهای ایالت آنتاریو به قاضی پیشنهاد کرد که دو جوان که به اتهام تخریب ۳ محکوم شده بودند با بزه‌دیدگان روبه‌رو شوند و پس از موافقت قاضی، صدور حکم تعلیق مراقبتی موکول به خسارت‌زدایی و جلب رضایت خاطر بزه‌دیده شد. پس از این تجربه، میانجیگری مورد حمایت مالی دولت و حمایت معنوی کلیسا قرار گرفت و در اواخر دهه هفتاد، از کانادا به آمریکا و سپس به اروپا منتقل شد. میانجیگری که ریشه در اندیشه قضازدایی از رهگذر احاله اختلاف‌های ناشی از پدیده مجرمانه به میانجیگری و قبول نوعی کدخدا منشی



در حل و فصل منازعات دارد، اهمیت و منزلت و نقشی غیرقابل انکار را در ترسیم سیاست عدالت کیفری مشارکتی ۴ ایفا کرده است.

رگه‌هایی از این تفکر را می‌توان در میان اقوام مختلف مشاهده کرد به طوری که از باب نمونه، در تاریخ یعقوبی می‌خوانیم: «عرب را داورانی بود که در کارهای خویش به آنان رجوع می‌کرد و در محاکمات و مواریث و آب‌ها و خون‌های خویش آنان را داور می‌شناخت. عرب [پیش از اسلام] را دینی نبود که به احکام آن رجوع کند، پس اهل شرف و راستی و امانت و سروری و سال خوردگی و بزرگواری و آزمودگی را حکم قرار می‌دادند»

اکنون در کشورهایی مانند نیوزیلند و کانادا و در بخش‌هایی از آمریکا، سنت‌ها و شیوه‌های ویژه اقوام مائوری و برخی از اقوام اسکیموها، لاکوت‌ها و داکوت‌ها در قالب نهادهای خاصی در نظام عدالت کیفری نهادینه شده است. در نیوزیلند، از سنت‌های مائوری، به ویژه در حوزه بزه‌کاری اطفال استفاده شده است. برخی از اصول و سنت‌های اقوامی به نام‌های داکوت‌ها و لاکوت‌ها در برخی از نشست‌های ویژه و تعیین مجازات در آمریکا مورد استفاده قرار گرفته است. در نهادهای قضایی کانادا برای مقابله با بزه‌کاران به ویژه افراد بومی و محلی در مراکز اصلاح و تربیت از افراد بومی در کمیته ویژه تعیین مجازات استفاده می‌شود.

بند دوم: فرآیند میانجیگری

میانجیگری کیفری فرایندی سه جانبه است که فارغ از تشریفات معمول در فرایند کیفری، براساس توافق قبلی شاکی و بزه‌دیده با متهم یا بزه‌کار، با حضور شخص ثالثی به نام میانجیگر یا میانجی به منظور حل و فصل اختلاف‌ها و مسایل مختلف ناشی از ارتکاب جرم آغاز می‌شود. میانجی‌گر که عضوی از جامعه مدنی است، در فرایند میانجیگری سعی می‌کند بزه‌کار و بزه‌دیده را در ارتباط باهم قرار دهد و زمینه دیدار، گفت‌وگو و مذاکره و طرح مطالبات و خواسته‌های متقابل آن‌ها را فراهم کند؛ دیدگاه‌ها و مشکلات آن‌ها را به زبان دیگری برای آن‌ها بازگو و شفاف نماید. و بدین سان به آن‌ها کمک کند تا مکنونات قلبی خود را بیان کرده و تسلی روحی پیدا کنند؛ خسارات مادی و عاطفی و روانی بزه‌دیده ترمیم شود؛ تکالیف و تعهدات بزه‌کار نسبت به بزه‌دیده، جامعه و خود در آینده مشخص شود و میزان مسئولیت‌های



طرفین در وقوع جرم تعیین شود. بنابراین در فرایند میانجیگری کیفری، بزه‌دیده و بزه‌کار طی جلسات متعدد، با دیدار و گفت‌وگوی مستقیم یا در صورت لزوم غیرمستقیم، به یک راه حل مرضی‌الطرفینی در مورد اختلاف کیفری خود دست می‌یابند؛ بدون این که میانجی نظر یا رأی خود را به آن‌ها تحمیل کند. فرآیند میانجیگری با رسیدن پرونده به مرجع میانجیگری آغاز می‌شود که با روش‌های مختلف پرونده به این مرجع واصل می‌شود. در بعضی از سیستم‌های حقوقی، ارجاع از طریق مسئولان ارجاع انجام می‌پذیرد و برخی اوقات نیز متصدی اجرای میانجیگری به مسئول ارجاع مراجعه کرده و حسب ضوابط خاصی پرونده‌ها را به این فرایند سوق می‌دهند. این مرحله در جهت تشخیص این موضوع که اساساً چه پرونده‌هایی و با چه کیفیتی قابلیت ورود به این فرایند را دارند.

بند سوم: اصول و مبانی میانجیگری

مجریان برنامه‌های میانجی‌گری به دنبال آنند که با ایجاد فضای گفتگوی داوطلبانه بین بزه‌دیده و بزه‌کار و تسهیل مشارکت جامعه محلی در اجرای عدالت، بخشی از وظیفه دستگاه عدالت کیفری را به دوش بکشند. این روش مبتنی بر یک نوع سیاست کیفری مشارکتی در حل و فصل منازعات و پرننگ کردن نقش جامعه محلی در تحقق آرمان عدالت است.

میانجیگری جهت نیل به اهداف مجریان خود، مبتنی بر اصول و مبانی به اجرای فرایند میانجیگری می‌پردازد. برخی از این اصول عبارتند از: استقلال فرآیند میانجیگری، داوطلبانه بودن حضور بزه‌دیده و بزه‌کار در فرآیند میانجیگری، رعایت اصل بی‌طرفی از جانب مجریان این فرآیند، محرمانه بودن و غیرعلنی بودن مذاکرات اطراف نزاع و اصل تضمین اجرای توافقات طرفین.

بند چهارم: اهداف میانجیگری

میانجی‌گری کیفری با توجه به اصول و ویژگی‌های منحصر به فرد، اهداف و غایت‌هایی را دنبال می‌کند که برخی از این اهداف ناظر بر طرفین میانجیگری (بزه‌دیده و بزه‌کار) و برخی از آن‌ها مربوط به اهداف و انگیزه‌های مرتبط با جامعه انسانی است و برخی مرتبط با نظام عدالت کیفری است. این اهداف را میتوان به چهار حوزه تقسیم بندی کرد که عبارتند از:



۱- بزه دیده ۲- بزه کار ۳- جامعه ۴- دستگاه عدالت کیفری

با مطالعه تاریخ حقوق کیفری از ابتدا تاکنون آشکار می‌شود که تا چندی پیش، از جمله خصوصیات در خور توجه نظام عدالت جزایی، این واقعیت بود که اشخاصی که خود را قربانی و متضرر از وضعیت‌های مجرمانه می‌دانستند، در دادرسی‌های جزایی واجد نقشی فعال نبوده‌اند، لیکن تمایلاتی که در خلال تفکرات نو در حوزه حقوق کیفری و جرم‌شناسی به چشم می‌خورد، نشان‌گر پذیرش مشارکت فعالانه بزه‌دیده در کارکردهای دستگاه عدالت کیفری است. در این راستا، نظریه نفی تاثیر اراده بزه‌دیده در دادرسی‌ها که متأثر از اندیشه‌های مکتب کلاسیک سال‌ها بر نظام‌های حقوقی جهان حاکم بود، به طور جدی و وسیع مورد تردید واقع شده است. در این باره گفته‌اند: حقوق قربانیان جرایم، یکی از مهم‌ترین موضوعات آیین دادرسی کیفری جدید است و حال آن که تا این اواخر برای بزه‌دیده در محاکمه کیفری به عنوان مدعی خصوصی حق ناچیزی شناخته می‌شد، اما امروزه بزه‌دیده در حقوق کیفری موقعیتی ممتاز دارد؛ تا بدان حد که سخن از یک سیاست جنایی مبتنی بر حقوق بزه‌دیدگان است.

بخش دوم: نقش میانجیگری در فصل دعاوی و پاسخ دهی به نقض هنجارها

در متون فقه اسلامی و دادرسی‌های میانجیگری

همه ما در کوچه و خیابان، شاهد درگیری و دعوای افراد بوده‌ایم. اگر نزاعی را مشاهده کردید، چه واکنشی نشان می‌دهید؟ بی‌توجه عبور می‌کنید یا دخالت را ترجیح می‌دهید؟ خبر دارید تاکنون در موارد زیادی میانجیگران دعوا کشته شده‌اند؟ می‌دانید برخی قتل‌های خیابانی اگر کسی میانجیگری می‌کرد، رخ نمی‌داد؟ در چنین شرایطی رفتار درست چیست؟

بارها شاهد بوده‌ایم افرادی وارد ماجرای نزاع می‌شوند و به قتل می‌رسند. با وجود این باز هم شاهدیم افراد زیادی در چنین مواردی برای مداخله وارد می‌شوند. ریشه این نوع رفتارها - که البته با قصد خیر انجام می‌شود، اما نتیجه منفی در پی دارد - کجاست؟

باید به پیشینه قضیه میانجیگری نگاهی داشته باشیم، چون هر رفتاری که در جامعه شکل می‌گیرد، پیشینه قبلی دارد. مردم براساس پیشینه‌های قبلی که شامل پیشینه‌های ذهنی و فرهنگی



می‌شود اقدام می‌کنند. در پیشینه فرهنگی ما تعریف میانجیگری، ریش سفیدی و حضور شخص سوم برای حل و فصل دعاها بوده است. در قدیم چنین رفتاری کاربرد داشته و افراد در هر سنی برای فردی که نقش میانجی را بازی می‌کرده، حرمت و احترام خاصی قائل بودند و حضور شخص میانجی نه تنها آتش دعوا را خاموش می‌کرد بلکه به آشتی طرفین منجر می‌شد، اما این که چقدر آن پیشینه‌های فرهنگی در جامعه امروز کارکرد دارد، موضوع دیگری است. امروزه در چنین مواردی ممکن است افراد اصلاً یکدیگر را نشناسند و به بدترین نوع آسیب بینند.

بند اول: کارکرد میانجیگری در جامعه امروز

در دعوای خانوادگی دیده می‌شود وقتی شخص سومی وارد دعوا می‌شود و در دعوا دخالت می‌کند، نتیجه خوبی به دست نمی‌آید. این به واسطه فرهنگ امروز است، چون در زمان‌های قدیم با توجه به پیشینه فرهنگی که وجود داشت، وقتی دو نفر دعوا می‌کردند، نفر سوم بدون درخواست طرفین وارد ماجرا می‌شد و ماجرا را حل و فصل می‌کرد و گاهی هم این میانجیگری منجر به آشتی طرفین می‌شد. در فرهنگ امروز ما اگر شخص میانجی بدون دعوت بخواهد در ماجرا حضور پیدا کند، اتفاق مثبتی رخ نمی‌دهد. این به دلیل تفاوت فرهنگی است که بین حال و زمان گذشته وجود دارد. وقتی فردی بخواهد بدون دعوت میانجیگری کند و وارد دعوا شود، ممکن است حتی مورد غضب فرزندان خودش نیز قرار بگیرد. به این ترتیب نه تنها دعوا حل و فصل نمی‌شود بلکه شدت بیشتری می‌گیرد. بیشتر شدن شدت دعوا، باعث می‌شود طرفین بیشتر پرخاشگری کنند و وقتی خشونت بالا می‌گیرد، حرمت بزرگ‌تر شکسته می‌شود. این دیدگاه وجود دارد که نمی‌توانیم به اتفاقاتی که پیرامونمان رخ می‌دهد، بی‌توجه باشیم و مثلاً در دعوای خانوادگی مداخله نکنیم.

دیدگاه‌ها، نگرش‌ها، باورها و اعتقاداتی را که وجود دارد، باید به روز نگه داریم. نمی‌توانیم با اعتقادات و پیشینه قبلی وارد هر مقوله‌ای بشویم؟ مثلاً در نزاعی، میوه‌فروشی دوره‌گرد با دیدن دعوای دو مرد به قصد میانجیگری وارد ماجرا می‌شود و از سوی یکی از طرفین دعوا به قتل می‌رسد. حالات خفیف‌تر این ماجرا به شکسته شدن حرمت‌ها منجر می‌شود. سوال این



است که امروزه چه باید کرد؟ اگر ببینیم دو نفر دعوایشان شده است، باید سرمان را پایین بیندازیم و بدون توجه از کنار آنها رد شویم؛ حتی اگر خواهرمان با شوهرش جلوی چشم ما دعوا می‌کند، بی‌توجه باشیم؟ اگر وارد شویم اوضاع بهتر می‌شود یا نه؟ این پرسش‌ها ذهن همه را درگیر خود کرده است. گرایش به مقامات رسمی بیشتر شده است. مقام رسمی ممکن است مشاور، مسئول قضایی یا انتظامی باشد. زمانی مشاوره اصلا معنی نداشت و رفتن به کلانتری جزو یکی از کارهایی بود که بندرت انجام می‌شد. خانواده‌های ما در گذشته رنگ کلانتری را نمی‌دیدند و پایشان به دادگاه باز نمی‌شد. امروزه با افزایش جمعیت، تغییر نگرش‌ها، فشارها و استرس‌های زیادی که روی دوش افراد وجود دارد، میزان درگیری و اختلاف نظر بیشتر از زمان‌های قدیم است. در گذشته اختلافات کمتر و مردم آرام‌تر بودند، فشارهای روی مردم به مراتب کمتر و سطح توقعات پایین‌تر بود و همه اینها روی کمتر بودن استرس افراد تاثیر داشت و باعث می‌شد مردم از صبوری و استقامت بیشتری برخوردار باشند. چنین افراد آرامی، وقتی درگیری بینشان به وجود می‌آمد، حضور شخص سوم می‌توانست فضای متشنج را آرام کند، اما الان افرادی هستند که صبوری کمتری دارند، آرامش ندارند، استرس و فشار روانی روی آنها زیاد، سطح توقعات بالا و آستانه تحمل‌ها پایین است و منتظر جرقه‌ای هستند. در چنین فضایی حضور شخص بی‌طرف نه تنها نمی‌تواند موثر باشد، بلکه مشکل را زیاد می‌کند.

حالا فرض کنیم فردی در خیابان شاهد نزاع دو نفر است. او چه باید بکند؟ چون بنظر می‌رسد دیگر نمی‌توانیم از روش سنتی استفاده کنیم، بهترین روش مراجعه به مراجع قانونی است. در نزاع‌های دیگر هم همین طور است. در همان موضوع میوه‌فروش، اگر او به جای این که جلو برود و درگیر شود، به پلیس ۱۱۰ تلفن و اطلاع می‌داد، الآن زنده بود. خوشبختانه اکنون مراجع قانونی کاربرد دارند. بنابراین شخص سوم فقط مرجع قانونی است، نه فرد عادی.

بند دوم: میانجیگری و موارد خانوادگی

مراجعه به مشاور بهترین راه است. در بسیاری از موارد، افراد وقتی به مشاورین و روانشناسان مراجعه می‌کنند که کارشان به دادگاه و کلانتری کشیده شده است و بعد از بررسی مشخص



می‌شود اصل ماجرا، موضوع کوچکی بوده که با ریش سفیدی نادرست به اینجا رسیده است. ممکن است میانجی نیت خیر داشته باشد، اما به جای دعوت طرفین به سکوت و فرستادن آنها نزد مشاور، کار اشتباهی انجام می‌دهد که به خسارت جانی، مالی و روحی منجر می‌شود. اما وقتی دعوایی رخ می‌دهد و کسی دخالت نمی‌کند، انتقادهای شروع می‌شود، که چرا مردم و شاهدین ماجرا دخالت نکردند و فقط تماشاچی بودند. آن زمان است که انتقادهای بی‌توجهی مردم، شنیده می‌شود.

نتیجه گیری

مردم ما بین دیدگاه سنتی و مدرن معلق هستند. در برخی مسائل به سمت دیدگاه سنتی می‌روند و بعضی اوقات دیدگاه مدرن را برمی‌گزینند. با وضعیت یک بام و دو هوا مواجه هستیم. زمانی اگر اتفاقی در محله‌ای می‌افتاد، چون همه با یکدیگر آشنا بودند، حتی اگر فرد بزهکاری هم پیدا می‌شد، موضوع را بین خودشان حل و فصل می‌کردند، اما در جامعه فعلی، افراد یکدیگر را نمی‌شناسند و حتی همسایه‌های دیوار به دیوار برای همدیگر ناشناس هستند، لذا به همین دلیل نمی‌توان از روش‌های سنتی استفاده کرد. از اینرو چون جامعه به سمت مدرن شدن می‌رود، الان فقط مراجع قانونی می‌توانند نقش شخص سوم را برای مداخله در مسائل اجتماعی و حتی مسائل خانوادگی برعهده داشته باشند. این وظیفه پلیس و ارگان‌های انتظامی و اجتماعی است که به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند و تقویت شوند تا بتوانند سرعت، منطقه‌ای را پوشش بدهند. کشور ما کشور نسبتاً جوانی است و نیروی بیکار زیاد دارد و باید از این نیروها به منظور محقق شدن این اهداف استفاده شود. این کار باعث احساس امنیت مردم هم می‌شود. وقتی مردم مرتب فردی یونیفورم‌پوش را در محله ببینند، احساس امنیت آنها افزایش پیدا می‌کند و بعد از مدتی این فرد به ریش سفید محله تبدیل می‌شود، با این تفاوت که زیر نظر مراجع قانونی است.



منابع و ماخذ

۱. بختیاری، علی قلی خان سردار اسعد، تاریخ بختیاری، یساولی، چاپ دوم، ۱۳۶۳
۲. پرادل، ژان، درآمدی به سیاست جنایی، برگردان: علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۱
۳. دلماس مارتی سیاست جنایی، برگردان: علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۱
۴. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده در فرایند کیفری، تهران: خط سوم، ۱۳۸۱
۵. زهر، هوارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، برگردان: حسین غلامی، تهران: مجد، چاپ نخست، ۱۳۸۳
۶. سماواتی پیروز، امیر، عدالت ترمیمی، تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، تهران: نگاه بینه، ۱۳۸۵
۷. صادقی، محمدهادی، تراحم مصلحت‌گرایی و حقوق بزه‌دیده در حقوق جزای اسلام، مجله مدرس، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۳، ۱۳۸۴
۸. طالع زاری، علی، عدالت ترمیمی رهیافت نوین، رنسانس در حقوق کیفری، مجله کانون وکلای اصفهان، شماره‌های ۴۸ و ۴۹، ۱۳۸۹
۹. عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی، میانجی‌گری کیفری، تهران: دانشور، چاپ نخست، ۱۳۸۲
۱۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۷۷
۱۱. موسوی اردبیلی، سید عبد‌الکریم، قاضی تحکیم در نظام قضایی اسلام فصلنامه حقوق دفتر پنجم ۱۳۹۲

